

۶ درجه

عشق بزرگ‌تر از نفرت

• جی.کی.رولینگ، نویسنده مجموعه‌رمان‌های «هری پاتر» که یکی از مخالفان مشهور دونالد ترامپ است، فرصت عروسی سلطنتی در بریتانیا را غنیمت شمرد تا بار دیگر رئیس‌جمهور آمریکا را آماج انتقادات تندوتیز خود قرار دهد. خانم نویسنده این‌بار در تویییت دو عکس را با هم مقایسه کرد که یکی از مراسم تحلیف دونالد ترامپ در واشنگتن گرفته شده بود و دیگری از مراسم عروسی روز شنبه در ویندسور و در شرح آن با زبان علام ریاضی نوشت: «عشق بزرگ‌تر از نفرت».

به گزارش فاکس نیوز، خانم رولینگ دو عکس را که زاویه مشابهی دارند، در توییت خود کنار هم گذاشته که سمت چپ، جمعیت فشرده هزاران نفر در جاده منتهی به کاخ ویندسور درمراسم ازدواج هری، شاهزاده انگلستان و مگان مرکل در ۱۹ می ۲۰۱۸ (۲۹ اردیبهشت) را نشان می‌دهد و سمت راست، جمعیتی که در مراسم سوگندخوردن ترامپ برای ریاست‌جمهوری در اوایل سال ۲۰۱۷ گرد آمده‌اند و محوطه جلوی کاخ سفید را هم توانسته‌اند پر کنند و افراد در این‌سو و آن‌سو پراکنده‌اند.

در آمارهای رسمی، شمار افراد شرکت‌کننده در مراسم استقلال از عروس و داماد در جاده، یکصد هزار نفر ذکر شده است. البته نویسنده هری پاتر به همان جمله ریاضی که عشق و نفرت را نامساوی و عشق را بزرگ‌تر از نفرت



نشان می‌دهد، اکتفا کرده است. این توییت هزاران‌بار ری‌توییت شده و ده‌ها هزار لایک خورده است. در کامنت‌های متعدد، بسیاری از آمریکایی‌ها به‌خاطر داشتن چنین رئیس‌جمهوری عذرخواهی کرده‌اند.

یک آمریکایی نوشته است: «همه متأسفیم به‌خاطر ترامپ. ما دوستش نداریم. ظاهراً ما انتخابش کرده‌ایم، ولی دوستان، باور کنید ما انتخابش نمی‌کنیم و انتخاب نکرده‌ایم. بوزش صادقانه ما را بپذیرید».

شترق روزنامه

دوشنبه « ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۷ » ۵ رمضان ۱۴۳۹
۲۱ می ۲۰۱۸ « سال یازدهم » شماره ۳۱۵۳ « ۱۶ صفحه اذان ظهرتهران ۱۳:۰۱ » اذان مغرب ۲۰:۲۷ « اذان صبح‌فردا ۴:۱۴ » طلوع آفتاب ۵:۵۵

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سهیل محمدی

عضو انجمن انبوه سازان مسکن :
نوسازی بافت های فرسوده نباید فقط در حد کاغذ و حرف انجام شود .



SAM
Home Appliances

شما می توانید اولین باشید

محمولی جدید از خانواده ی سام

برای اینکه جزو اولین ها باشید، فرم ثبت نام را در سایت سام تکمیل فرمایید.

www.samgroup.co

Strong & powerfull Metal Fan

انتخاب هدیه ویژه برای اولین ها

اطلاعات بیشتر: ۰۲۱-۳۸۷۵

بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی

آنچه چند روز پیش در مورد تبانی برخی جراحان با شرکت‌های تجهیزات پزشکی در همین روزنامه مطرح شد و سروصدای زیادی برپا کرد، درواقع گزارش یک تخلف جدی در کار پزشکی است که جرم تلقی شده و باید توسط سازمان‌های ذی‌ربط و در درجه اول سازمان نظام پزشکی مورد بررسی قرار گیرد و به‌علاوه باید، هم به جهت احقاق حقوق بیماران و هم به جهت حفظ حیثیت بخش‌های وسیع جامعه پزشکی که مرتکب چنین جرائمی نشده و نمی‌شوند، نتیجه آن به اطلاع عموم برسد.

البته می‌توان پرسید که آیا واقعا رسانه‌ای کردن و تیتیر یک کردن چنین پدیده‌ای تنها راه باقی‌مانده بوده است؟ آن هم در برخورد با خلافکارانی تا این حد از بی‌بندوباری اخلاقی؟ آیا کار بنیادهای اخلاقی جامعه ما تا به آنجا رسیده است که نه‌تنها برخی پزشکان دست به چنین کارهایی می‌زنند، بلکه کارکنان و صاحبان شرکت‌ها هم به جهت حفظ منافع اقتصادی خود چنین رشوه‌هایی را می‌پردازند؟ و از کراهت این‌سپرداخت هم بی‌اطلاع هستند؟ راستی آیا یک نفر از کارکنان بیمارستان‌ها و شرکت‌ها و کارکنان دولت که احیانا شاهد چنین بندوبست‌هایی بوده‌اند دارای شهامت اخلاقی ابراز این‌گونه مسائل در پیشگاه یک مرجع قانونی نبوده‌اند؟ آیا خود خبرنگاری که گزارش را تهیه کرده، سواى

میدون و سوفیا

چند چیز درباره فیلتر تلگرام

پوریا عالمی: ما که عقلمان نمی‌رسد، اما هر آدم عاقلی متوجه می‌شود که علت اصلی فیلترکردن تلگرام، نه دزدیدن اطلاعات کاربران ایرانی به دست خارجی‌هاست، نه کانال‌های بی‌ناموسی یا کانال‌هایی مثل آمدنیوز، چرا؟

۱- اطلاعاتی که جاسوس‌های خارجی از ایرانی‌ها در تلگرام نصیبشان می‌شود در حد دایمیش است و نه بیشتر، ممکن هم هست چهار نفر با هم تیک زده باشند و در تلگرام حالت ازدواج بروز داده باشند که واقعا این اطلاعات ارزش جاسوسی ندارد. پس این دلیل اصلی فیلتر تلگرام نیست.

۲- کانال‌های بی‌ناموسی هم دلیل فیلتر تلگرام نیست، چون خدا گوگل را حفظ کند برای جوانان.

۳- کانال‌های سیاسی هم دلیل فیلتر تلگرام نیست، چون ۲۰ سال است که ما تا ماهواره را روشن می‌کنیم، دوتا دانشمند مثل هخا و ... دارند می‌گویند الان دارند بلند می‌شوند که فردا توی ایران زمین بنشینند و قضیه را جمع کنند. واکنش مردم چیست؟ ولله مردم به این برنامه‌ها به‌عنوان تفریح نگاه می‌کنند و این اساتید را رقیب مهران مدیری در برنامه‌سازی می‌دانند.

پس علت چی بود؟

علت خیلی ساده است. تلگرام در نظر دارد قابلیت «کیف پول» را به خود اضافه کند. این کیف پول کاملا کارکرد واقعی دارد و مردم می‌توانند باهاش خریدوفروش کنند. برای اینکه یک وقت اشتباه نکنید باید بگوییم این کیف پول با امتیازی که ما با خوردن قارچ توی بازی «قارچ‌خور» می‌گفتیم - و فقط به درد پسرعمره‌مان می‌خورد - فرق دارد.

حالا شما تصور کنید تلگرام ۴۰ میلیون نفر کاربر در ایران دارد. اگر کیف پولش را راه بیندازد، عملا از بانک ملی هم گنده‌تر می‌شود و مردم حتی اگر فقط پول آب و برقشان را توی تلگرام بپردازند فکر کنید چه گردش پولی عظیمی ایجاد خواهد شد. خب آیا تلگرام نمی‌تواند با ۴۰ میلیون کاربر و ۴۰ میلیون کیف پول، بعد از یک سال اعلام استقلال کند؟ همین بانک شهر برای اینکه مردم را بیندازد توی تله، همه عوارض و پرداخت‌های شهری را اجبار می‌کند در بانک شهر پرداخت کنید یا بانک مسکن را در نظر بگیرید. شما برای هرگونه تسهیلات مسکن، موظف هستید توش حساب باز کنید. حالا خیال کنید اگر تلگرام خدمات بانکی ارائه کند، مردم پا می‌شوند می‌روند بانک؟ یا از عابربانک پول کارت‌به‌کارت می‌کنند؟

این طوری است که همه «پیام‌رسان»‌های داخلی (البته ما نمی‌دانیم پیام ما را در داخل به چه کسی خواهند رساند!) جای اینکه بایند و روی امکانات شبکه و خدمات رسانه‌ای‌شان کار کنند و بگویند ما از تلگرام بهتریم یا حداقل بگویند تلگرام اطلاعات شما را به خارجی‌ها می‌دهد و ما نمی‌دهیم! فقط روی این تمرکز دارند که ما امکان گردش پولی داریم. آن هم در وضعیتی که مردم عادی و کاربران از کیف پول تلگرام خبر ندارند (چون هنوز این محصول معرفی نشده) و نمی‌دانند مثلا فلان پیام‌رسان منظورش از گردش پولی چیست.

خلاصه که اگر ما بودیم، جای فیلتر و این حرف‌ها، راستش را می‌گفتیم، مردم هم لابد حمایت می‌کردند. ما نمی‌دانیم.

جمع‌بندی

من هر بار می‌روم خواستگاری سوفیا، بابای سوفیا این‌قدر آسمان‌ریسمان می‌باغد که خدا می‌داند. صدا تا دلیل می‌آورد که سوفیا چهارتا خواستگار دارد و می‌خواهد درس را ادامه بدهد و الان قصد ازدواج ندارد و توقدت مثل نردبان بلند است و روزنامه‌نگاری هم شد شغل و چه و چه. سوفیا اما به من گفته هیچ‌کدام اینها دلیل مخالفت باباش با من نیست. تنها دلیلی که بابای سوفیا من را برای سوفیا و سوفیا را برای من، فیلتر کرده این است که من دوزار پول ندارم و شپش توی جیبم کمپ کرده است. خب مرد حسابی، راستش را بگو. بگو پول نداری و بی‌مایه قطیر است. زور چری آدم عیب می‌گذاری؟ اه. مادر بزرگ ما همیشه می‌گفت آدم باید راستش را بگوید. قربان هرچی آدم راستگوست، میدون دوم.

آکادمی

درباره تبانی در اتاق عمل

گزارش عام به مراجع قانونی نظیر نظام پزشکی هم اطلاع داده و اگر نداده با چه توجیهی؟ بی‌اعتمادی به این مراجع یا بی‌اطلاعی از وجود این مراجع؟ آیا مرجع رسیدگی به چنین جرائمی کشوی سردبیر است یا دادگاه نظام پزشکی؟ راستی تاکنون صاحب شرکتی که خود در مصاحبه با روزنامه، پرداخت رشوه به‌دفعات به جراحان متخصص را اعتراف کرده، مورد بازخواست قرار گرفته و به مراجع قانونی معرفی شده است؟ مگر از قدیم نگفته‌اند «الراشی والمترشی...»؟

اینکه عوامل متعددی سطح اخلاق حرفه‌ای را حتی در میان متخصصان رشته‌های مختلف به خطر انداخته قابل‌انکار نیست. اولاً اخلاقیات تخصصی مدرن امکان شکل‌گیری و تدوین نیافته است و تنها اخلاقیات کهن عمومی که در همه کارها مصداق دارند وجدان افراد را کنترل می‌کنند که در آنها راه‌های خاصی فراوانی پیش‌بینی شده است. ثانیاً کار در فضای انکارشده با تعریف‌هایی غیرواقعی و نبود نظارت‌ات کیفی می‌تواند زمینه‌ساز افت اخلاقی هرچه بیشتر باشد. در عمل هم در مقایسه با کشورهای پیشرفته شاهد بی‌بندوباری نظارتی در مورد ارتباط پزشکان با شرکت‌های تجاری بوده‌ایم؛ بی‌بندوباری‌هایی که بر اساس اخلاقیات کهن و رایج ما گناه محسوب نمی‌شوند. درحالی‌که در تمام دنیا قوانین سفت‌وسختی در مورد این ارتباطات وجود دارد و تخطی از آن قوانین را نه‌تنها تخلف و جرم، بلکه غیراخلاقی و به‌تبع آن باری بر وجدان مسدرن تعریف می‌کند. میزان هدیه مجاز حتی یک خودکار در کشورهای مختلف تعریف شده است. شرکت‌ها از یک سو موظف‌اند بخشی از درآمد خود را صرف تحقیق و آموزش پزشکی کنند،

پشت تاریخ

اردیبهشت جهنمی



دکتر تاهید توسلی*

در نوجوانی که دانش‌آموز بودیم، اردیبهشت که از راه می‌رسید باید آماده امتحانات خرداد می‌شدیم. گروهی از دانش‌آموزان فراری از درس می‌خوانند: «اردیبهشت مُردَم، اردی جهنم ماست» و ما آن زمان نمی‌دانستیم چگونه می‌شود «اردیبهشت‌ماه» را اردی جهنم پنداشت! اینک اما، در میان سالی (تترسم، بگویم کهن‌سالی)، اردی جهنم را در اردیبهشت زیبا و گلباران، می‌بینیم و حس می‌کنیم!

اسفا از روزگاران، اسفا!

به روایتی اسطوره‌ای-تاریخی ۱۲۴ هزار پیامبر از سوی آفریدگار، برای بهترزیستن و نیز درست‌ترزیستن ما آدمیزادگان از زمین و آسمان آمدند تا بفهمانند و بفهمیم که این زمان کوتاه زیستن ما در این خاکستان، کوتاه‌تر و ناپایدارتر از آن است که در هزاره سوم و سده بیست ویک و در زمان و زمانه این‌همه گستردگی علم و دانش، همراه با پُر اشرف‌مخلوقات بودن و خود را مرکز جهان دانستن!

این سان زیستن زیننده‌مای آدمیزاده که بی‌شک اینک داعیه «انسان»شدن هم داریم، نیست!

دین‌داران خود را خلیفه خدا می‌پندارند و آنان که دین را قبول ندارند، اما داعیه «حقوق بشر» دارند، لیک در این میان، هر دو در پی یک هدف می‌زنند: کشتار بکدیکر! و این، در این برهه از زمان، کم‌دی‌ترین ترازدی زیستن ما آدمیزادگان است! علم، فلسفه، تاریخ و... همه و همه این گوهرهای گران‌بها که با درد و مشقت و سختی و کوشش و عرق‌ریزان جسم و روان، آنها را به دست می‌آوریم اما، همه ملغبه دست ما آدمیزادگان شده‌اند برای نابودی همین ما آدمیزادگان و

این کم‌دی‌ترین ترازدی زیستن ما آدمیزادگان است!

با یک نگاه به این خاکستان گزوی (که بسیاری از همین عالمان تازگی‌ها آن را مسطح می‌دانند) می‌بینیم که در هر گوشه‌ای آتشی برپاست که دود آن از آسمان هفتم نیز گشته است؛ آتشی که آتش افروز را هم دود می‌کند، آتش‌افروزانی که «خَرَد» درک آن را هم ندارند! و آتانی که ننگ نام «آدمیزاده بر خود نهادن» را چه بسیار شریین‌تر از «انسان‌بودن» پذیرفته‌اند که آتش‌افروزی را درخور انسان

نمی‌دانند، در گوشه‌گوشه این خاکستان آتش گرفته سرد و خاموش ایستاده‌اند به نظاره... و نمی‌دانند «خَرَد» در این میان چیست و کجاست و «خردمند» کدام است؟ و نظاره می‌کنند روز را و شب را و هنوز را! در انتظار «گودویی» که نمی‌دانند کی خواهد آمد تا بساط این کم‌دی تراژیک را برچیند.

اردیبهشت زیبای گلباران، چگونه زیبا باید بماند آن‌گاه که خون ۷۰ انسان

بی‌گناه، در یک روز زمین به‌اری‌اش را خونباران می‌کند؟ درحالی‌که روی همان زمین و در همان زمان و نیز در همان روز با فاصله یک «باور» جشن و سرور و شادمانی و دست‌افشانی برپاست تا همین یک فاصله «باور» را هم از آنان که می‌کشند و به قتل می‌رسانند بگیرد! شاید از این‌رو است که گفته‌اند: همه روزها عاشورا و همه سرزمین‌ها کرلاست!

شک دارم، شک دارم «اردیبهشت»، در چنین بحبوحه‌ای بتواند معنای واژگانی ایرانی‌اش را، «بهترین راستی»، «بهترین نظم» و نماذ اسطوره‌ای امشاپسندی‌اش را؛ «نماد نظام جهانی، قانون ایزدی و نظم اخلاقی در این جهان و...» در پوش کشد! آن‌گاه که همه نظم‌های طبیعت را ما آدمیزادگان بی‌خَرَد این‌سان غیرانسانی برهم ریخته‌ایم!

آیا با این‌همه فاجعه انسانی در این اردیبهشت زیبای بهاری، اردیبهشت‌مان «جهنمی» نشده است؟!

«نویسنده، پژوهشگر و کنشگر حقوق زنان، مدیرمسئول مجله «نافه»

شاید ندیده باشید

آمار شکایت پزشکی پایین است

نسبت به خطاهای پزشکی نیز بسیار پایین‌تر است. مهم‌ترین روش برای حل این مشکلات برخورد سیستماتیک است. بحث شکایت از پزشکان بعد از ماجرای مرک عباس کیارستمی به نحو گسترده‌ای افزایش یافته است، اما در تمام این مدت نکته مهم عدم رسیدگی به شکایات است.

می‌شود که بخش زیادی از آن به دلیل خطاهای پزشکی است. علاوه بر آن، طبق آمارهای جهانی ۱۰ درصد کسانی که وارد بیمارستان‌ها می‌شوند دچار خطای پزشکی قابل‌توجهی می‌شوند. عامل سوم تا ششم مرک در آمریکا خطای پزشکی است. در کشور ما آمار شکایات‌های پزشکی نسبت به کشورهای دیگر بسیار پایین است. این آمار حتی

قائم‌مقام وزیر بهداشت به‌تازگی گفته است: طبق آمارهای بین‌المللی، احتمال خطا در بیمارستان‌ها یک در ۲۰۰ است. در کشوری مانند ما ۴۵ درصد بیمارستان‌ها، ساختمان‌هایی دارند که از اول بیمارستان نبوده است. بنابراین آمارها حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد منابع بهداشت و درمان در کشورها حتی آنهایی که توسعه‌یافته هستند، تلف